

# تمییز مشترکات در نرم افزار درایة النور

قسمت دوم

نویسنده: سید علیرضا حسینی  
تلخیص و آماده سازی: سید محمد شجاع الدینی

## اشاره

در شماره ۶۷ فصلنامه ره آورد نور (ویژه نامه پژوهش های رجالی)، پس از بیان جایگاه و سابقه تاریخی بحث تمییز مشترکات، عوامل ایجاد اشتراک مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این شماره، مراحل چهارگانه تمییز مشترکات به صورت کاربردی در اسناد کتاب شریف کافی ارائه می گردد.

در مرحله اول، با سنجش تقریبی طبقه راوی، دامنه اطراف تردید و به تبع آن، دامنه اطراف تحقیق کاهش می یابد و در مرحله دوم، با تتبع فردی یا استفاده از منابع مکتوب و یا نرم افزارهای رایانه ای، اطراف تردید مشخص می گردد. اگر در این دو مرحله، نتیجه مطلوب حاصل نشد، در گام سوم به مقایسه بین اسناد اطراف تردید پرداخته شده و با توجه به وجود عناوین متعدد برای هر راوی، تعیین مصداق می شود. در برخی اسناد، پس از طی این مراحل سه گانه نیز مصداق عنوان مشترک شناسایی نمی شود. در این مرحله، رجوع به کتب رجال، نقش مؤثری در بازشناسی عنوان مردد خواهد داشت.

کلیدواژگان: اطراف تردید، عنوان مشترک، عنوان مردد، طبقه راوی، درایة النور.



به چشم می‌خورد. اگر محقق هنگام برخورد با این اسناد، دامنه تحقیق خود را متناسب با فاصله «عنوان مردد» در هر سند با صاحب کتاب - طبقه راوی - تنظیم کند، به این نکته خواهد رسید که مثلاً عنوان «أحمد بن محمد» در سند سوم، فقط بر «أحمد بن محمد بن أبي نصر» منطبق است. ممکن است که تأکید بر نکته فوق، از دیدگاه گروهی، لازم نباشد و در زمره اولیات کار به شمار آید؛ تا حدی که نیاز به تذکر نداشتن باشد؛ اما حقیقت امر، غیر از این است؛ زیرا شناخت و تعیین طبقه راوی، مبتنی بر شناخت و معرفت کامل، با توجه دقیق نسبت به واقعیت‌های موجود در اسناد، از قبیل: تحویل، تعلیق و اضمار است که متأسفانه، گاه از دیدگاه بزرگان مخفی مانده و موجب بروز اشتباهاتی در فهم دقیق اسناد گردیده است. (۴)

البته ضرورت تعیین جایگاه راوی، به عنوان اولین گام در تمییز مشترکات، منحصر به موارد فوق نیست؛ بلکه در اسناد معمولی که عاری از هر گونه ظرایف فنی باشند نیز ضروری است؛ زیرا مشاهده شده است که گاه به صرف وقوع «عنوان مشترک» و بدون توجه به طبقه راوی، سند کنار گذاشته می‌شود؛ حال آنکه اگر اولاً به کتابی که سند مورد بحث در آن ذکر شده و ثانیاً به جایگاه «عنوان مشترک» در سند، اندک توجهی می‌شد، ابهام و اشتراک از عنوان برطرف می‌شد؛ برای روشن شدن موضوع، به یک مثال توجه نمایید:

«محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن علی بن أحمد، عن یونس، قال: کتبت إلی الرضا - علیه السلام - : ...». این سند، از جمله اسناد ساده «کافی» (۵) است که در نگاه اول، حاوی چهار عنوان مشترک است. از میان این عناوین، عنوان «محمد بن یحیی» مورد نظر ماست. کسانی که با کتاب شریف «کافی» و اسناد آن آشنایی دارند، بر این نکته واقف هستند که «محمد بن یحیی» در ابتدای اسناد - البته اسناد بی‌تعلیق - «کافی» فقط منصرف به «محمد بن یحیی العطار» می‌باشد و کوچک‌ترین احتمال اشتراکی در عنوان فوق راه ندارد. نگارنده به یاد دارد که روزی در مجلس درس یکی از اساتید بزرگوار که به حق از بزرگان حوزه علمیه قم بوده و بر گردن حوزه و نظام، حق بسیاری دارد، آن استاد چنین فرمود: «عنوان (محمد بن یحیی) در سند فوق، مشترک است بین (محمد بن یحیی المعاذی) و (محمد بن یحیی الرهنی)». در صورتی که بر اساس تتبع، «محمد بن یحیی المعاذی» در کتب اربعه فقط در اسناد تهذیب واقع شده (۶) و «محمد بن یحیی الرهنی» عنوانی مصحف است و مصداق خارجی ندارد. (۷)

گفتنی است که مشکل یادشده، از دیرباز وجود داشته و تاکنون نیز ادامه دارد و همچنان که قبلاً گفته شد، این امر موجب شده است که به دلیل وجود عنوان یا عناوین مشترک در اسناد آنها - که گاه اشتراک نیز ابتدایی بوده و با قدری تأمل قابل رفع می‌باشد - متون روایات یا به طور کلی کنار گذاشته شوند (۸) و یا چندان مورد توجه قرار نگیرند. جای تردید نیست که باید برای حل چنین مشکلی، تدبیری اندیشیده شود و راه حلی ارائه گردد. اینک، جای این پرسش است که راه حل چیست؟ و چگونه می‌توان به آن دست یافت؟

در پاسخ به دو سؤال فوق، دو نوع از اسناد را مد نظر قرار داده، به تبیین راه حل مورد نظر می‌پردازیم.

**نوع اول:** اسناد معلق (۹) که در ابتدای آنها، عنوان مشترکی واقع شده باشد؛ مثل دو سند زیر:

- «عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن أيوب، عن سيف بن عميرة، عن عبد الله، عن رجل، عن أبي جعفر - علیه السلام - .» (۱۰)

- «أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن الحسين بن علوان، عن عمرو بن شمر، عن جابر،

عن أبي جعفر - عليه السلام - «(۱۱)

سند دوم، بلافاصله بعد از سند اول ذکر شده و اولین اسم، از ابتدای سند حذف گردیده و عنوان مشترک «أحمد بن محمد»، در ابتدای سند قرار گرفته است.

**نوع دوم:** اسناد کاملی که مشتمل بر عنوان مشترکی باشند که با تأملی کوتاه، خروج آن عنوان از اشتراک، قهری بوده و یا چندان مشکل نباشد.

در نوع اول، ما با دو مسئله روبه‌رو هستیم. نخستین مسئله، باور وقوع تعلیق (۱۲) در اسناد از جانب محقق، و سپس، تعیین جایگاه راوی و تقلیل دامنه اطراف تردید است. در صورتی که محقق در مسئله اول تردید داشته باشد، در تعیین جایگاه راوی (طبقه) با مشکلات اساسی مواجه خواهد شد. در هریک از دو مرحله ذکر شده، مفیدترین منابعی که می‌توان به آنها رجوع کرد، اسناد هستند. آنچه در این بین مهم است، کیفیت رجوع به اسناد و نحوه استفاده از آنها می‌باشد. به منظور تبیین هرچه بهتر این مسئله، ضمن تکرار مثال قبل، به بررسی راه حل مورد نظر می‌پردازیم:

- «عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ فِضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ رَجُلٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - .» (۱۳)

- «أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن الحسن بن علوان، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن أبي جعفر - عليه السلام - .» (۱۴)

عنوان «أحمد بن محمد»، از جمله عناوین پُر تکرار و مشکل‌ساز در اسناد «کافی» است. این عنوان، حدود ۳۹۰۰ بار در مواضع مختلف، در اسناد «کافی» تکرار شده است. علاوه بر آن، در ابتدای اسناد معلق (۱۵) نیز به کرات وارد شده است. اگر ما در صدد این نکته باشیم که اصل وقوع تعلیق در اسناد «کافی» را با توجه به اسناد «أحمد بن محمد» بررسی کرده و آن را بپذیریم یا به دیگری نشان بدهیم، باید این امکان را برای محقق فراهم کنیم که قادر باشد دست کم سه دسته از اسناد را پیوسته و زیر هم و به ترتیب مذکور در کتاب ببیند؛ تا ضمن قیاس آنها با هم، به اصل وقوع تعلیق اعتراف کند. این سه دسته، عبارت‌اند از:

**دسته اول:** اسنادی که مشتمل بر عنوان «أحمد بن محمد» به عنوان اولین یا دومین فرد در سند باشد که مجموعاً ۳۴۷۵ سند را شامل می‌شود.

**دسته دوم:** اسناد دربردارنده عنوان «أحمد بن محمد...» با ۱۰۷۲ سند.

**دسته سوم:** اسناد «أحمد بن محمد بن خالد» با ۷۵۰ سند.

آنچه می‌تواند ذهنیت محقق را به اصل وقوع تعلیق در اسناد کافی نزدیک کرده و زمینه پذیرش این حقیقت را در وی به وجود آورد، مشاهده اسناد فوق، با در نظر داشتن نکات زیر است:

- ترتیب اسناد، به ترتیب ذکر شده در کتاب باشد؛

- فاصله بین هر دو سند، هنگام ترتیب اسناد در نظر گرفته شود؛

- اختلاف ابواب یا کتاب (۱۶)، در مورد اسناد هر باب و کتاب مد نظر باشد.

دستیابی به این هدف، از هیچ‌کدام از کارهای انجام‌شده پیشین، امکان‌پذیر نبوده و یا حداقل بسیار دور از دسترس می‌باشد. ساده‌ترین راه ممکن - با صرف نظر از رایانه - رجوع به کتاب و تنظیم اسناد مورد نظر بر اساس ترتیب فوق است. به بیان ساده‌تر، محقق باید با رجوع به کتاب، اسناد



از مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین نکاتی که در مراحل تمییز مشترکات، باید به آن توجه تام داشت، شناخت طبقه تقریبی عنوان مشترک است. منظور از «طبقه» در اینجا، جایگاهی است که عنوان مورد نظر در سند، به خود اختصاص داده است. این جایگاه را می‌توان با سنجش رابطه «عنوان مردد» با صاحب کتاب، معصوم (علیه السلام) و یا راوی معروفی که وجود او در سند جنبه شاخصیت دارد، تعیین کرد



مورد نظر را شناسایی کرده، با در نظر داشتن خصوصیات مذکور (ترتیب، فاصله، کتاب و باب) آنها را یادداشت کند و در مرحله بعد، به مقایسه آنها بپردازد.

اگر فرض کنیم برای شناسایی و یادداشت کردن هر سند، ۲ دقیقه (۱۷) وقت لازم باشد، حدود ۱۰۶۰۰ دقیقه، یعنی ۱۷۰ ساعت وقت لازم است تا فقط اسناد مزبور استخراج و یادداشت شوند. مدت زمان دیگری لازم است تا محقق به مقایسه این اسناد با هم بپردازد و نکته مورد نظر را اثبات و یا نفی کند. با طی این مراحل، تنها یک گام برداشته است و آن، پذیرش حقیقتی به نام تعلیق است. برداشتن گام‌های دیگر نیز مستلزم صرف وقت زیاد خواهد بود؛ درحالی‌که با داشتن یک برنامه دقیق، دسترسی به تعداد اسناد فوق - با در نظر داشتن تمام خصوصیات - حداکثر در مدت یک ساعت امکان‌پذیر خواهد بود. علاوه بر اینکه به وسیله رایانه، نشانی اسناد را نیز خواهیم داشت و ما در محاسبه کار دستی، زمانی را که باید به نوشتن نشانی اسناد اختصاص داده شود، در نظر نگرفته بودیم. (۱۸)

مزیت دیگری که در کار با رایانه وجود دارد، این است که پس از تهیه چنین برنامه‌ای، استفاده از آن برای همگان ممکن بوده، محدودیت‌های یک کار شخصی، جهت استفاده افراد دیگر را نخواهد داشت.

قبلاً گفتیم که در نوع اول از اسناد مورد بحث، در نخستین گام، دو مرحله را در پیش روی داریم؛ اول، بررسی اسناد به منظور پذیرش اصل وقوع تعلیق، و مرحله دوم، شناخت طبقه تقریبی عنوان مردد. طبیعی است که با توجه به روند ترسیم‌شده، اگر بررسی ما در مرحله اول با دقت و تأمل همراه باشد، در همین مرحله، هدف دوم نیز تأمین می‌گردد؛ مثلاً در دو سند مورد بحث، محقق پس از پذیرش واقعیتی به نام تعلیق، به دنبال مصداق «عنوان مردد» در محدوده عنوان «أحمد بن محمد بن عیسی» و «أحمد بن محمد بن خالد» می‌گردد؛ نه بیشتر.

آنچه تا کنون گفته شد، مربوط به نوع اول از اسناد بود؛ یعنی اسناد معلق که در ابتدای سند معلق، عنوان مشترکی واقع شده باشد. (۱۹)

اما نوع دوم از اسناد مورد بحث، اسناد ساده‌ای که از هر نوع ظرایف و پیچیدگی‌های سندی، عاری هستند؛ ولی به دلیل اشتغال بر عنوان مشترک و عدم توجه به طبقه راوی، سند روایت و در نتیجه

آن متن، کنار گذاشته شده و یا چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در این نوع از اسناد نیز لازم است که اسناد مشتمل بر عنوان مردد و تمام اسناد اطراف تردید - در نظر محقق - به راحتی در معرض دید او قرار گیرد، تا ضمن مقایسه اسناد با همدیگر، به این نکته واقف گردد که هر عنوان مردد، در یک دامنه محدود از تردید قرار می‌گیرد؛ نه اینکه لزوماً تردید به تمام افرادی که مسماً به این عنوان هستند، سرایت کرده و تمییز مشترکات را بیش از پیش دچار مشکل سازد. به اسناد ذیل توجه کنید (شکل ۲):

- «محمد بن یحیی العطار، عن أحمد، عن عبد الله بن محمد الحجال، عن ثعلبة، عن زرارة، عن أبي جعفر - عليه السلام -». (۲۰)
- «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر - عليه السلام -». (۲۱)
- «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسین بن سعید، عن القاسم بن محمد، عن علی بن ابي حمزة، عن ابي بصیر، عن ابي جعفر - عليه السلام -». (۲۲)
- «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن

- محمد بن یحیی الخزاز، عن غیاث بن ابراهیم، عن ابي عبد الله - عليه السلام -». (۲۳) شکل ۲
- «محمد بن ابي عبد الله، عن حسین بن محمد، عن محمد بن یحیی، عن حدثه، عن ابي عبد الله - عليه السلام -». (۲۴)
- «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن یحیی، عن طلحة بن زید، عن ابي عبد الله - عليه السلام -». (۲۵)
- محمد بن یحیی، عن محمد بن الحسین، عن محمد بن یحیی، عن طلحة بن زید، عن ابي عبد الله - عليه السلام -». (۲۶)
- «عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن یحیی الخثعمی، عن هشام، عن ابن ابي يعفور، عن ابي عبد الله - عليه السلام -». (۲۷)

آیا اگر چنین نمایی از اسناد «محمد بن یحیی» در حدی وسیع‌تر در برابر دیدگان محقق ترسیم گردد، در ذهنیت او در تعیین دامنه اطراف تردید یا اصل اشتراک یا عدم اشتراک عنوان، تأثیر نخواهد گذاشت؟

اگر محقق قادر باشد تمام اسناد مشتمل بر عناوین «محمد بن یحیی» و «محمد بن یحیی العطار»، «محمد بن یحیی الخثعمی» و «محمد بن یحیی الخزاز» را به ترتیب ذکر شده در کتاب و به دنبال هم ببیند، بدون تردید، عنوان «محمد بن یحیی» را در صورت واقع شدن در ابتدای اسناد «کافی» - البته اسناد کامل - به هیچ عنوان مشترک نخواهد دانست. برای تأمین چنین هدفی، باید حدود ۴۵۰۰ سند را با حفظ ترتیب کتاب در اختیار او قرار داد که حداقل محتاج صرف ۷۵ ساعت وقت می‌باشد؛ حال آنکه به وسیله رایانه، در ظرف چند دقیقه می‌توان چنین امکانی را برای محقق فراهم کرد.

بنابراین، از آنجا که تعیین طبقه راوی به طور دقیق، به گونه‌ای که ریشه هرگونه تردید و دو دلی را در وجود محقق خشکانده و او را مطمئن سازد، جز از راه دیدن تمام اسناد یک عنوان و گاه به ضمیمه اسناد اطراف تردید ممکن نیست و دستیابی به تمام اسناد یک عنوان، به راحتی با طی طرق



پیش‌بینی شده ممکن نیست و در صورت پیمودن آنها، مستلزم صرف وقت بسیاری است که با وجود رایانه، صرف این مقدار از وقت، بدون تردید موجب مؤاخذة در پیشگاه الهی خواهد شد. پس، استفاده از رایانه در این مرحله، ضروری و بدون جایگزین خواهد بود.

## ب. تعیین اطراف تردید

تعیین اطراف تردید، دومین مرحله از مراحل تمییز مشترکات است؛ یعنی در این مرحله باید ببینیم چه کسانی در طبقه مزبور قرار دارند که احتمال انطباق عنوان مردد، بر آنها وجود دارد. البته این کار، در صورتی ضرورت دارد که ما در مرحله اول، در ضمن تعیین جایگاه راوی در سند، به هدف خویش - یعنی تعیین مصداق - نرسیده باشیم؛ زیرا همچنان که گذشت، گاه شناخت و یا توجه به طبقه راوی، خود، باعث خروج عنوان از اشتراک می‌شود.

جهت تعیین اطراف تردید، چند راه ممکن است در پیش گرفته شود که ضمن شمارش آنها، مقایسه‌ای نیز بین آنها خواهیم داشت. این راه‌ها، عبارت‌اند از:

۱. کار تبعی فردی؛ ۲. کار با منابع مکتوب؛ ۳. کار با نرم‌افزار (درایة النور).

### ۱. کار تبعی فردی

فرض کنید با سند زیر روبه‌رو هستیم:

«أحمد بن ادریس، عن محمد بن عبد الجبار، عن الحسن بن علی، عن ثعلبة بن میمون، عن زرارۃ بن أعین، عن أبی جعفر - علیه السلام -» (۲۸)

به عنوان مثال، در این سند، در نظر داریم اطراف تردید در عنوان مشترک «الحسن بن علی» را تعیین کنیم. با توجه به ماهیت کار، یعنی کار تبعی فردی، و برای اینکه محقق، در نهایت امر یقین کند که تمام موارد را فحص کرده و موردی از دید او مخفی نمانده است، لازم است تمام اسناد «کافی»، یعنی حدود ۱۵۴۰۰ سند را دیده و از آن میان، اسنادی را که حاوی عناوین تفصیلی «الحسن بن علی» هستند، جدا کند و موارد جدا شده را به ترتیب و با ذکر نشانی، یادداشت کند.

باید توجه کرد که بررسی فوق با دقت تمام صورت گیرد؛ زیرا لازم است جهت یافتن عناوین مورد نظر در اسناد، به نوع سند توجه کامل شود که آیا سند کامل است یا معلق؟ در صورت معلق بودن، چه مقدار از سند حذف شده است؟ آیا اسم مورد نظر در قسمت محذوف وجود دارد یا نه؟ و همچنین، شناخت اسناد تحویلی، و یا تعیین مرجع ضمیر در اسنادی که در ابتدا یا در وسط آنها ضمیری وجود دارد، ضرورت تام دارد.

اگر فرض کنیم بررسی هر سند، همراه با یادداشت اسناد استخراج شده، ۲ دقیقه وقت لازم داشته باشد، در حدود ۵۱۳ ساعت وقت لازم است تا تمام اسناد کافی را بررسی و اسناد مورد نظر را یادداشت کنیم. مقایسه اسناد و استنتاج از آنها نیز وقت دیگری را می‌طلبد. پیمودن چنین راهی، اگرچه ممکن است، ولی بسیار دور از دسترس می‌باشد. بنابراین، از این راه باید چشم پوشیده و به سراغ راه‌های دیگر رفت.

### ۲. کار با منابع مکتوب

گفته شد، در این مرحله به دنبال شناخت افرادی هستیم که «عنوان مردد» مورد بحث، احتمال انطباق بر آنها را دارد. در واقع، ما به دنبال عناوین تفصیلی هستیم که در همان طبقه شناسایی شده - که حاصل کار در مرحله اول است - جای می‌گیرند. زمانی محقق در این مرحله به اطمینان خاطر می‌رسد

که قادر باشد جایگاه عناوین تفصیلی را در سند ببیند و این جایگاه را با آنچه از مرحله اول به دست آورده، قیاس کرده و به اتحاد بین آن دو حکم کند. بنابراین، ضرورت رجوع به اسناد، در این مرحله نیز جای تردید ندارد. حال که چنین است، باید دید نقش منابع موجود در این زمینه چیست؟

در میان منابع مکتوب، آن دسته که بر ذکر «راوی» و «مروی عنه» و یا راوی تنها تأکید دارند، استفاده از آنها بسیار مشکل و وقت‌گیر خواهد بود و این امر، از آنجا ناشی می‌شود که پاره‌ای از آنها یا اصلاً نشانی روایات و اسناد را متعرض نشده‌اند (مانند «هدایة المحدثین») و یا به ذکر نشانی کتاب و باب بسنده کرده‌اند (مانند «جامع الرواة»). در این میان، کتاب «معجم رجال الحدیث»، قابل استفاده‌ترین آنهاست که کار با آن، مستلزم صرف وقت کمتری نسبت به دو کتاب دیگر می‌باشد. با وجود این، هنگام استفاده از این کتاب، مراحل ذیل را باید پیمود؛ مثلاً با توجه به سند مورد بحث، باید:

- تمام عناوین تفصیلی «الحسن بن علی» را جدا کرد.
- به ترجمه یکایک آنان رجوع کرد، تا مشخص شود برای کدامیک از آنها روایت ذکر شده است.
- با توجه به نشانی داده‌شده در کتاب، به سراغ کتاب اصلی رفته و سندها را یادداشت نمود.
- اسناد جمع‌آوری شده را قیاس کرده و اسناد آن مقدار از عناوین تفصیلی «الحسن بن علی» را که در طبقه «عنوان مردد» قرار دارد، جدا و تنظیم کرد.
- بار دیگر با مقایسه اسناد و با در نظر گرفتن طبقه و راوی و مروی عنه «عنوان مردد»، در صورت امکان، مصداق عنوان مشترک را تعیین کرد.
- پیمودن مراحل فوق، گرچه به مقدار کار تبعی محتاج صرف وقت نیست، اما به هر حال، وقت بسیاری را از محقق خواهد گرفت.
- از میان منابع مکتوب، دو منبع، هم خویش را متوجه اسناد کرده‌اند؛ این دو، عبارت‌اند از: «تجرید أسانید الکافی» و «دفاتر اسناد اصحاب اجماع» (۲۹) هر کدام از این دو نیز مشکل خاص خود را دارند. «دفاتر اسناد اصحاب اجماع»، از آن جهت که در بردارنده تمام اسناد از تمام روات نیست، در بیشتر موارد، محقق را از رجوع به کتاب اصلی بی‌نیاز نخواهد کرد. کتاب «تجرید أسانید الکافی» نیز به دلیل ترتیب خاصی که دارد، وقت قابل ملاحظه‌ای را از محقق می‌گیرد.
- توضیح اینکه ترتیب اسناد در این کتاب، بدین گونه است که: بر اساس حروف الفبا، سند به گونه‌ای با یکی از مشایخ مرحوم کلینی شروع می‌شود و با حفظ ترتیب فوق، به معصوم (علیه السلام) ختم

با استفاده از نرم‌افزار درایة النور، با صرف تنها چند ثانیه می‌توان محقق را به مقصود خود رسانید. به این صورت که با دادن دو عنوان «علی بن الحکم» و «عبد الملک بن عتبة» که گاه نیز با عنوان «عبد الملک بن عتبة الهاشمی» در اسناد وارد شده است، می‌توان مجموعه اسنادی را که این دو عنوان با هم در آنها واقع شده‌اند، ملاحظه کرد



می‌گردد. از آنجا که اسناد مورد تحقیق، همیشه چنین نیست که به اسناد یک فرد خاص از مشایخ منحصر باشد، محقق باید با جست‌وجو در اسناد کتاب، اسناد مورد نظر خویش را یافته و جدا کند.

نقطه ضعف دیگر این کتاب، در جهت مورد نظر این است که حفظ ترتیب اسناد، به همان گونه که در کتاب اصلی ذکر شده‌اند، نقشی بسیار حساس در تحقیق و استنتاج محقق خواهد داشت و این ترتیب، در کتاب مورد بحث ما محفوظ نیست. بنابراین، حتی با استفاده از این کتاب نیز محقق بی‌نیاز از رجوع به کتاب اصلی برای شناخت ترتیب اسناد نخواهد بود.

### ۳. کار با نرم‌افزار (درایة النور)

با استفاده از نرم‌افزار، محقق قادر است در این مرحله، دامنه تحقیق خود را به طور چشمگیری کاهش داده و در یک دامنه بسیار محدود و با صرف کمترین زمان ممکن، ولی با ضریب اطمینان بسیار بالا، به جست‌وجوی عنوان یا عناوین مورد نظر خود پردازد.

برای توضیح بیشتر، به سند مورد بحث بازمی‌گردیم:

– «أحمد بن إدريس، عن محمد بن عبد الجبار، عن الحسن بن علي، عن ثعلبة بن ميمون، عن زرارة بن أعين، عن أبي جعفر – عليه السلام –» (۳۰)

در قسمت «ارتباط راویان»، محقق با انتخاب دو عنوان «محمد بن عبد الجبار» و «ثعلبة بن ميمون» و همچنین عناوین دیگر این دو راوی، یعنی «محمد بن عبد الجبار» و «ثعلبة»، «محمد بن أبي الصهبان» و «ثعلبة بن ميمون» و «محمد بن أبي الصهبان» و «ثعلبة»، تمام روایاتی را که این دو عنوان با هم در اسناد آنها واقع شده، می‌بیند و در این نظر، واسطه‌هایی را که به نام «الحسن بن علی» هستند، شناسایی می‌کند. گاه ممکن است محقق به این نکته پی ببرد که در «الحسن بن علی»، واسطه بین این دو عنوان، یک نفر بیشتر نیست و آن، «الحسن بن علی بن فضال» است که در سند مورد بحث ما نیز اتفاقاً چنین است. مدت زمانی که برای رسیدن به این نتیجه با فرض استفاده از نرم‌افزار لازم است، دو دقیقه می‌باشد.

همچنین، محقق می‌تواند با دادن دو عنوان معیار «محمد بن عبد الجبار» و «ثعلبة بن ميمون» به برنامه تفهیم کند تا اسنادی را بیاورد که واسطه بین این دو عنوان، عنوان مختصر و یا تفصیلی «الحسن بن علی» باشد. در این فرض، مدت زمان لازم از دو دقیقه نیز کمتر خواهد شد.

### ج. مقایسه اسناد اطراف تردید

در گذر از دو مرحله قبل، دیدیم که احياناً در یکی از آن دو مرحله، محقق به هدف خویش که همان تعیین مصداق عنوان مشترک است، می‌رسد؛ اما همیشه چنین نیست؛ بلکه لازم است محقق جهت نیل به مقصود خویش، گام‌های دیگری نیز بردارد. در ادامه دو مرحله قبل، گام بعدی، مقایسه بین اسناد اطراف تردید می‌باشد.

فرض کنید با سند زیر روبه‌رو هستیم:

«عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن علي بن الحكم، عن عبد الملك بن عتبة، عن إسحاق بن عمار، عن يحيى بن أبي العلاء، عن أبي عبد الله – عليه السلام –» (۳۱)

در این سند، در صدد تعیین مصداق «أحمد بن محمد» هستیم. محقق پس از طی دو مرحله قبل، به این نتیجه خواهد رسید که «أحمد بن محمد» در این طبقه، مردد بین «أحمد بن محمد بن



اگر قرار باشد به منظور شناخت این عناوین، راهی جز استفاده از رایانه  
پیموده شود، چه مقدار وقت و نیرو از محقق گرفته می‌شود؟ آیا با وجود  
این همه مسائل کار نشده در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی، مانند فقه، باز  
هم باید اوقات ارزشمند محققان ما در تتبع در اسناد از دست برود؟ آیا رایانه  
جانشین خوبی برای سامان‌دهی این گونه کارها نیست؟



عیسی» و «أحمد بن محمد بن خالد» است که هر دوی آنها نیز واسطه بین «عدّة» و «علی بن  
الحکم» واقع شده‌اند؛ اما اینکه در سند مورد نظر، کدام‌یک از آنها بین این دو عنوان واقع شده است،  
موضوعی است که هنوز بر محقق پوشیده است.

برای رسیدن به این منظور، محقق ما باید به مقایسه اسنادی بپردازد که یکی از دو عنوان «أحمد  
بن محمد بن عیسی» و «أحمد بن محمد بن خالد» در آنها، واسطه بین «عدّة من أصحابنا» و  
«علی بن الحکم» باشد. در این مقایسه، محقق باید به تعدد عناوین هریک از روایت نیز توجه کامل  
داشته باشد؛ مثلاً باید به این نکته توجه داشته باشد که «أحمد بن محمد بن خالد»، حداقل با ۵  
عنوان مختص (۳۲) در اسناد وارد شده است. پُر واضح است که در یک کار دستی، رسیدن به این  
هدف، نه تنها مستلزم صرف وقت زیاد خواهد بود، بلکه نیازمند دقت و توجه کامل نیز می‌باشد.

نکته قابل توجه دیگر در این مرحله، آن است که اثر ارزشمندی همچون «معجم رجال الحدیث»  
که در مراحل قبل، جزو مفیدترین منابع موجود بود، در این مرحله، چندان کارایی نخواهد داشت؛  
چون عمده کارایی کتاب فوق در بحث تمییز مشترکات، مربوط به دیدن مشایخ و شاگردان یک  
راوی است؛ درحالی که محقق، از این مرحله فراتر رفته و به مرحله‌ای رسیده است که نیاز به دیدن  
کل سند دارد و مشاهده مشایخ و شاگردان، مشکل‌گشای او نخواهد بود.

با استفاده از نرم‌افزار درایة النور، با صرف تنها چند ثانیه می‌توان محقق را به مقصود خود رسانید. به  
این صورت که با دادن دو عنوان «علی بن الحکم» و «عبد الملک بن عتبه» که گاه نیز با عنوان  
«عبد الملک بن عتبه الهاشمی» در اسناد وارد شده است، می‌توان مجموعه اسنادی را که این دو  
عنوان با هم در آنها واقع شده‌اند، ملاحظه کرد. در صورت تکمیل برنامه، می‌توان این زمان را تقلیل  
داد؛ به این ترتیب که سه عنوان «عدّة من أصحابنا»، «علی بن الحکم» و «عبد الملک بن عتبه»  
را انتخاب کنیم و از نرم‌افزار بخواهیم اسنادی را برای ما بیاورد که در آنها عنوان تفصیلی «أحمد»،  
واسطه بین دو عنوان نخست باشد و این کار، قطعاً زمان کمتری لازم دارد.

نمونه‌های فوق، مواردی بودند که یک عنوان مشترک، مورد تحقیق قرار گرفته بود و لازم بود همه  
این مراحل طی شود. گاه محقق با اسنادی روبه‌رو می‌شود که غیر از معصوم (ع)، تمام عناوین سند،  
عناوین مشترک‌اند؛ از جمله این سند:

«محمد بن أحمد، عن أحمد بن محمد، عن الحسين، عن القاسم، عن علی، عن أبي بصير، عن أبي  
عبد الله - عليه السلام -» (۳۳)

اگر قرار باشد به منظور شناخت این عناوین، راهی جز استفاده از رایانه پیموده شود، چه مقدار وقت و نیرو از محقق گرفته می‌شود؟ آیا با وجود این همه مسائل کار نشده در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی، مانند فقه، باز هم باید اوقات ارزشمند محققان ما در تتبع در اسناد از دست برود؟ آیا رایانه جانشین خوبی برای سامان‌دهی این گونه کارها نیست؟

## د. رجوع به کتاب‌های رجالی

در بحث تمییز مشترکات، گاه با اسنادی روبه‌رو می‌شویم که محقق، پس از طی مراحل سه‌گانه پیش‌گفته، قادر به شناسایی مصداق عنوان مشترک نخواهد بود. در چنین مواقعی، رجوع به کتاب رجال، به هدف دستیابی به اطلاعاتی که در این راه محقق را یاری کند، نقش مؤثری در بازشناسی مصداق عنوان مردود دارد. به سند زیر که از جمله اسناد بسیار ساده در بحث تمییز مشترکات است، توجه کنید (شکل ۳):



«الحسن بن محمد بن سماعة، عن علي بن الحسن بن رباط، عن عبد الله بن وضاح، عن أبي بصير، عن أبي عبد الله - عليه السلام -» (۳۴)

برای تعیین مراد از عنوان «أبي بصير» در این سند، هیچ‌کدام از مراحل سه‌گانه فوق، دریچه‌ای را بر روی محقق نخواهند گشود؛ اما با رجوع به ترجمه «عبد الله بن وضاح»، مصداق این عنوان به خوبی تعیین می‌گردد.

نجاشی در ترجمه «عبد الله بن وضاح» چنین می‌گوید: «عبد الله بن وضاح، أبو محمد، كوفي، ثقة من الموالی، صاحب أبا بصير يحيى بن القاسم كثيراً و عرف به.» (۳۵)

شکل ۳

توجه به ترجمه فوق، نه تنها مشکل این سند، بلکه تمام اسنادی را که «عبد الله بن وضاح» از «أبو بصير» نقل می‌کند، حل خواهد کرد.

آیا در این مرحله هم نیازی به رایانه وجود دارد یا مراجعه به کتب رجال مستقیماً کارگشا خواهد بود؟ افرادی که به کتب رجالی، نگاهی تحقیقی داشته و در صدد سبک‌شناسی این گونه کتاب‌ها بوده باشند، حتماً متوجه این نکته شده‌اند که تمام اطلاعات مربوط به یک راوی، همیشه در ترجمه خود او یافت نمی‌شود؛ بلکه لازم است ترجمه‌های مختلف را دید تا مجموعه اطلاعاتی را به دست آورد که در حل مشکلات اسناد و از جمله مسئله مورد بحث ما، کارساز باشند. (۳۶)

به همین لحاظ، ضروری است ضمن شناسایی و دسته‌بندی اطلاعات موجود در کتب رجال، راه‌هایی به منظور دستیابی هر چه سریع‌تر به این اطلاعات ارائه شود که این مهم، در مقاله‌ای تحت عنوان «روش دستیابی به اطلاعات کتب رجال» مورد بحث قرار گرفته است.

## سخن پایانی

بحث «تمییز مشترکات» که از جمله اساسی‌ترین مباحث رجالی است، نیاز به تتبع وسیع و جمع‌آوری

قراین و اطلاعات فراوان در باره اسناد روایات و راویان آنها و پیمودن مراحل برای شناسایی عناوین مشترک و مترادف دارد. استفاده از روش‌های سنتی و مراجعه مستقیم به منابع و کتب روایی و رجالی - با توجه به گستردگی منابع و اطلاعات - علاوه بر اینکه وقت بسیاری را از محقق می‌گیرد، تحلیل و نتیجه‌گیری او را هم به علت حجم انبوه اطلاعات، با دشواری مواجه می‌سازد.

استفاده از رایانه و بهره‌گیری از نرم‌افزار درایة النور، ضمن سهولت دسترسی به منابع کمیاب و نایاب و سرعت در جمع‌آوری حد اکثری اطلاعات مورد نیاز، محقق را در دسته‌بندی و مرتب کردن اطلاعات، و سپس تجزیه و تحلیل آنها به منظور دستیابی به نتایج مطلوب و مستدل، یاری می‌نماید. همچنین، محقق با استفاده از این ابزار می‌تواند به راحتی حاصل پژوهش‌ها و فرآورده‌های علمی خود را در اختیار سایر پژوهشگران و علاقه‌مندان مباحث رجالی و حدیثی قرار دهد.

نکته‌ای که در پایان مقاله حاضر، لازم به یادآوری است، این است که با توجه به تراکم مقالات ارائه‌شده در این ویژه‌نامه، مبحث «سیستم‌مختلفات» را در مقاله‌ای مستقل ارائه خواهیم کرد. ■

### پی‌نوشت‌ها:

۱. کلینی، الکافی (اسلامیه)، ج ۴، ص ۱۱۵، ح ۲.
۲. همان، ج ۳، ص ۷۹، ح ۱.
۳. همان، ج ۴، ص ۵۵۲، ح ۵.
۴. مقایسه کنید: فروع الکافی، ج ۳، ص ۵۵۷، ح ۲ یا تهذیب، ج ۲، ص ۱۰۰، ح ۵۶ و فروع الکافی، ج ۴، ص ۸۲، ح ۵ یا تهذیب، ج ۴، ص ۱۸۱، ح ۵۰۴ و فروع الکافی، ج ۴، ص ۲۲۲، ح ۹ یا تهذیب، ج ۵، ص ۸۷، ح ۲۸۸ و فروع الکافی، ج ۴، ص ۴۰۸، ح ۸ یا تهذیب، ج ۵، ص ۱۰۵، ح ۲۴۱. اشتباهاتی از این قبیل، در اسناد تهذیب و استبصار به کرات به چشم می‌خورد. برای جلوگیری از اطالة نوشتار، به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.
۵. مراد از سند ساده، سندی است که از دشواری‌های اسناد مانند: تعلیق تحویل و یا اضمار، برکنار باشد.
۶. برای آگاهی بیشتر، رجوع کنید به: تجرید اسانید الکافی، ج ۱، ص ۵۷ ت ۵۶ و معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۵ - ۷.
۷. ر.ک: تهذیب، ج ۱، ص ۲۵۰، ح ۶؛ همان، ص ۳۰۲، ح ۴۸؛ همان، ج ۲، ص ۱۸۳، ح ۳۱؛ همان، ص ۲۷۷، ح ۱۵؛ همان، ج ۱۰، ص ۱۵۲، ح ۶۱.
۸. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۱۲۲ - ۱۲۴؛ همان، ج ۱۸، ص ۴۲.
۹. سند معلق، سندی است که بعضی از روایات، از ابتدای سند، حذف شده باشند؛ البته با توجه به ضرورت کامل بودن اسناد، این حذف معمولاً با اتکا بر قراینی صورت می‌گیرد. این قرینه، گاه سند یا اسناد قبل می‌باشد؛ مانند مثال مذکور در متن، و گاهی نیز طرقی است که صاحب کتاب در مشیخه خود ذکر می‌کند؛ مانند مشیخه من لا یحضره الفقیه، تهذیب و استبصار. قرینه ذکر، زمانی طریق به اولین راوی سند یا اسناد مذکور در کتاب یا کتب خاصی است که صاحب کتاب آن را بدین منظور تدوین کرده است.
۱۰. الکافی (اسلامیه)، ج ۴، ص ۶۷، ح ۵.
۱۱. همان، ج ۶.
۱۲. مسئله وقوع تعلیق در اسناد کافی، در گذشته و حال مورد تشکیک بوده است. از این رو، در طرح این بحث، محور را اسناد کافی قرار داده‌ایم.
۱۳. الکافی (اسلامیه)، ج ۴، ص ۶۷، ح ۵.

۱۴. همان، ح ۶.
۱۵. فرض را بر این گرفته‌ایم که از سند معلق، بیش از یک نفر حذف نشده باشد.
۱۶. مراد از کتاب، کتب فقهی است که روایات بر اساس آنها دسته‌بندی شده‌اند؛ مثل «کتاب الجهاد»، «کتاب الصوم» و «کتاب الحج».
۱۷. با توجه به اینکه گاه فهم اسناد به‌آسانی ممکن نبوده و مستلزم صرف اوقات بسیار است، زمان فوق در مجموع، کوتاه‌ترین زمان است.
۱۸. زمان یادداشت نشانی اسناد، در این محاسبه گنجانده نشده است.
۱۹. به این نکته توجه داشته‌ایم که مشکلات و ظرایف اسناد، منحصر به مسئله تعلیق نیست؛ بلکه مسئله مهمی همچون تحویل نیز از دیدگان بسیاری مخفی مانده و گاه نیز ناباورانه با چنین مسئله‌ای برخورد می‌کنند؛ مسأله‌ای که حداقل در کتاب کافی، هر محقق قدم‌به‌قدم با آن برخورد می‌کند. در اینجا به دلیل محدودیت در ارائه مطالب، به بحث تعلیق بسنده کرده‌ایم.
۲۰. الکافی (اسلامیه)، ج ۳، ص ۳۷۳، ح ۲.
۲۱. همان، ج ۱، ص ۸۸، ح ۱.
۲۲. همان، ح ۳.
۲۳. همان، ج ۷، ص ۳۳۸، ح ۱۱.
۲۴. همان، ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۱۳.
۲۵. همان، ص ۲۱۶، ح ۲.
۲۶. همان.
۲۷. همان، ص ۱۷۵، ح ۳.
۲۸. همان، ص ۶۵، ح ۵.
۲۹. این دفاتر، حاصل تحقیقات حضرت آیت‌الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی است.
۳۰. الکافی (اسلامیه)، ج ۱، ص ۶۵، ح ۵.
۳۱. همان، ج ۴، ص ۱۲۷، ح ۳.
۳۲. منظور از عنوان مختص، عنوان غیرمشترک است؛ چراکه از عناوین برشمرده در مورد «احمد بن محمد بن خالد»، دو عنوان «البرقی» و «احمد بن محمد» عناوین مختص او نیستند؛ بلکه بین او و دیگران مشترک‌اند.
۳۳. تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۳۲۰، ح ۴۹. سند فوق، در کتاب با لفظ «عنه» آغاز می‌گردد که پیدا کردن مرجع ضمیر، خود نیازمند صرف وقت جداگانه‌ای است.
۳۴. الکافی (اسلامیه)، ج ۷، ص ۹۸، ح ۵.
۳۵. رجال نجاشی، ص ۲۱۵، ر ۵۶۰.
۳۶. مقایسه کنید: رجال نجاشی، ص ۲۴۱، ر ۱۱۸۷ با همان، ص ۱۹۵، ر ۵۲۰ و ص ۲۴۹، ر ۶۵۶ و ص ۲۱۵، ر ۵۶۰.